

آینده ترکیه در سایه پیروزی مجدد حزب عدالت و توسعه

الف

انتخابات پارلمانی ترکیه روز شنبه ۲۱ خرداد با پیروزی حزب عدالت و توسعه پایان یافت. این سومین دوره انتخابات پارلمانی است که حزب عدالت و توسعه با کسب آرای اکثریت رأی‌دهندگان در آن به پیروزی می‌رسد. مطابق آمار رسمی اعلام شده، از جمعیت ۷۳ میلیونی ترکیه ۵۰ میلیون شهروند حق رأی داشتند که از این تعداد دارندگان حق رأی، ۸۴/۵ درصد از مردم در انتخابات پارلمانی شرکت کردند. تعداد کرسی‌های پارلمان ترکیه ۵۵۰ است که حزب عدالت و توسعه تعداد ۳۲۵ کرسی را به دست آورد. بدین ترتیب حزب حاکم ترکیه اکثریت رضایتبخش خود را در پارلمان حفظ کرده و این اکثریت به این حزب امکان و فرصت بیشتری برای اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی و ایجاد تغییرات بنیادی در قانون اساسی و نیز نقش‌آفرینی بیشتر در سیاست منطقه‌ای و جهانی فراهم می‌کند.

رقیب عمده حزب عدالت و توسعه، حزب سکولار جمهوری خلق است که با کسب ۲۶ رأی رتبه دوم را در پارلمان به دست آورد و به ۱۳۵ کرسی دست یافت. این حزب در مقایسه با انتخابات پارلمانی پیشین موفق شد ۲۳ کرسی بر تعداد کرسی‌های خود بیفزاید، اما پیروزی شیرین و امیدبخش به احزاب و نامزدهای مستقل طرفدار کردهای

* رئیس مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

ترکیه اختصاص داشت، زیرا نامزدهای مستقل حزب صلح و دموکراسی که از پیشتیبانان مطالبات تاریخی کرده‌های این کشور به شمار می‌روند موفق به کسب ۵/۸ درصد از آرای رأی‌دهندگان (عمدتاً بخش‌های شرقی ترکیه با مرکزیت ایالت دیار بکر) شده و به ۳۵ کرسی پارلمانی دست یافتند. نکته جالب توجه اینکه تمامی احزاب رقیب حزب عدالت و توسعه به‌ویژه حزب سنتی جمهوری خلق که از سوی مصطفی آتاتورک بنیان گذاشته شد، هم پاکیزگی انتخابات را تأیید کردند و هم نسبت به موفقیت حزب عدالت و توسعه به دلیل کارنامه درخشانش طی یک و نیم دهه گذشته خصوصاً در حوزه رشد اقتصادی اذعان کردند. نکته مهم دیگر آنکه پیروزی حزب عدالت و توسعه در سه دوره پی در پی انتخابات پارلمانی آنهم با افزایش تعداد کرسی‌های به دست آمده در هر دوره انتخابات، نیز حتی در جوامع اروپایی پدیده‌ای کم سابقه به شمار می‌رود.

این نوشته می‌کوشد پیام‌ها و پیامدهای انتخابات پارلمانی ترکیه را مورد ارزیابی قرار داده و چشم‌اندازی از تغییرات محتمل در ساختارهای حکومتی ترکیه و نیز نقشه سیاسی داخلی و تأثیر آن بر ادامه نقش‌آفرینی‌های این کشور در حوزه سیاست خارجی ترسیم کند. این نوشته همچنین می‌کوشد به این پرسش مهم پاسخ گوید که آیا سیاست‌های کنونی ترکیه در صحنه خاورمیانه صرفاً در قالب برنامه یک حزب پیروز محدود خواهد ماند، یا اینکه به لحاظ نتایج و پیامدهای عمدتاً مثبت این برنامه و استراتژی منطقه‌ای حزب عدالت و توسعه می‌توان امیدوار بود که این برنامه و استراتژی به دیگر احزاب رقیب عدالت و توسعه سرایت پیدا کند و در نهایت به اصول پایه‌ای استراتژی‌های کلان این کشور در بلندمدت تبدیل شود؟

۱. چنانکه می‌دانید رجب طیب اردوگان نخست وزیر ترکیه در جریان مبارزات انتخاباتی اخیر گفته بود که اگر حزب عدالت و توسعه موفق به کسب دو سوم از آرا شود، بی‌هیچ درنگی اقدام به تغییر قانون اساسی ترکیه خواهد کرد و قانون اساسی عصری، مدرن و متناسب با حجم و جایگاه ترکیه تدوین خواهد کرد. قانون اساسی کنونی ترکیه محصول کودتای نظامیان این کشور در آغاز دهه هشتاد میلادی است. قانون اساسی جاری

ترکیه محدودیت‌های فراوانی در حوزه‌های گوناگون حقوق شهروندی، فعالیت احزاب سیاسی، فعالیت اقتصادی بخش خصوصی و سیاست‌های خارجی ایجاد کرده است. نکته جالب توجه اینکه حزب عدالت و توسعه با اتکا به همین قانون اساسی (البته با ایجاد پاره‌ای تغییرات) و بسط ظرفیت‌های آن موفق به کسب موقعیت برتر در چند دهه اخیر شد، اما علی‌رغم پیروزی بزرگ حزب عدالت و توسعه در کسب بیش از ۵۰ درصد از آرای رأی‌دهندگان این کشور، این حزب بدون برقراری ائتلاف با دیگر احزاب پارلمانی قادر به تدوین قانون اساسی جدید نیست، زیرا ترمیم قانون اساسی ترکیه مطابق همین قانون به شرطی امکان‌پذیر است که دو سوم از اعضای پارلمان بدون نیاز به همه‌پرسی به ترمیم قانون اساسی رأی دهند. حزب عدالت و توسعه برای این منظور به بیشتر از ۳۰ کرسی نیاز داشت تا به حد نصاب بی‌چون و چرا برای تغییر قانون اساسی بپردازد، اما حزب عدالت و توسعه چندان هم نگران نتایج کنونی آرا در دستیابی به هدف بزرگش یعنی تغییر قانون اساسی نیست، زیرا نامزدهای مستقل و حزب صلح و دموکراسی و در مجموع طرفداران کردهای این کشور به دلیل آنچه آنها وجود تبعیض ساختاری در قوانین موضوعه ترکیه به‌ویژه قانون اساسی نسبت به تأمین مطالبات کردها می‌نامند، انگیزه بیشتری برای ترمیم قانون اساسی و در نتیجه تمایل بیشتری برای برقرار ائتلاف پارلمانی با حزب عدالت و توسعه به منظور دستیابی به هدف مشترک دارند. بدین ترتیب حزب عدالت و توسعه چندان نیازی به توسل به حزب رقیب خود یعنی حزب راست‌گرای جمهوری خلق به رهبری کمال قلیچ دار اوغلو چه در تشکیل کابینه و چه در حرکت به سمت ترمیم قانون اساسی نخواهد داشت. البته رهبر حزب جمهوری خلق به دنبال افزودن ۲۳ کرسی و تقویت موقعیت پارلمانی‌اش علایم مثبتی از امکان ائتلاف با حزب عدالت و توسعه حتی در موضوع ترمیم قانون اساسی ارسال کرده است. حزب راست‌گرای جمهوری خلق نگران آن است که عدالت و توسعه برای دستیابی به حد نصاب لازم در روند تغییر قانون اساسی، امتیازاتی فراتر از حد مجاز (به لحاظ اعطای حقوق بیشتر به کردهای ترکیه) به نامزدها و احزاب طرفدار اقلیت کردها اعطا کند. رجب طیب اردوگان به عنوان مهندس طرح‌های حل

و فصل مسئله کردهای ترکیه در این زمینه البته با انگیزه‌های متفاوت با حزب راست‌گرای جمهوری خلق اشتراک‌نظر دارد. از سوی دیگر، حزب عدالت و توسعه به ضرورت برقرار موازنه سیاسی در میان منظومه احزاب تأثیرگذار و عدم برانگیختن احساسات ناسیونالیسم افراطی می‌اندیشد. در نتیجه می‌توان پیش‌بینی کرد که رجب طیب اردوگان به رغم اطمینان از امکان ائتلاف با نمایندگان احزاب ضعیف پارلمانی برای پیشبرد طرح تغییر قانون اساسی، کوشش خواهد کرد با حزب رقیب عمده نیز بر سر نقاط مشترک به منظور تأمین اجماع بیشتر حول نقطه محوری تغییر قانون اساسی به توافق برسد.

۲. بی‌تردید رشد اقتصادی ۱۰ تا ۱۲ درصدی ترکیه طی ۱۰ سال گذشته، همراه با افزایش درآمد ملی و بهبود وضعیت اقتصادی مردم و از همه مهمتر استمرار ثبات سیاسی و اقتصادی در ترکیه به‌رغم چالش‌ها و بحران‌های منطقه‌ای (حوزه بالکان، مسئله قبرس، بحران عراق و اخیراً بحران سوریه) عامل مهم و بلکه تعیین‌کننده در پیروزی اخیر حزب عدالت و توسعه بوده است. این وضعیت موجب شده است که ترکیه آن تمایل و عطش مربوط به انضمام به اتحاد اروپا را از سیاست‌های محوری خود حذف کرده و به شرایطی چشم بدوزد که اتحاد اروپا به پیوستن ترکیه به این منظومه اقتصادی، سیاسی علاقه‌مند شود. داود اوغلو وزیر خارجه کنونی ترکیه و از طراحان امور استراتژیک در سیاست خارجی این کشور روزی گفته بود ما طی سال‌ها درهای اتحاد اروپا را می‌کوبیدیم تا ما را به عضویت خود راه دهند، اما از این پس باید در انتظار شرایطی باشیم که اتحاد اروپا برای انضمام کشورمان به این منظومه به ما متوسل شود. داود اوغلو در این گفته چندان هم غلو نکرده است، زیرا وضعیت اقتصادی ترکیه حداقل طی ۵ سال اخیر در مقایسه با اعضای بحران‌زده اتحاد اروپا (غیر از کشورهای اروپای شرقی تازه پیوسته به اتحاد اروپا) نظیر یونان و تا حدودی اسپانیا بهبود بیشتری یافته است. روابط ترکیه با کشورهای اسلامی خود حدیث مفصل دیگری است که ویژگی منحصر به فردی به این کشور بویژه در سال‌های اخیر بخشیده است.

الگوی ترکیه در گذار به دموکراسی به گونه‌ای است که بسیاری از جوامع اسلامی

به‌ویژه کشورهای عربی خاورمیانه از آن به مثابه الگوی قابل تکرار در جوامع خود نام می‌برند. این الگو و توسعه دامنه آن حداقل به لحاظ نظری در شرق و مغرب جهان عرب مدیون سیاست‌ها و برنامه‌های حزب عدالت و توسعه است. تا دوره تورگوت اوزال نخست وزیر فقید ترکیه و معمار اقتصادی این کشور، معادله غالب در ترکیه این بود که سیاستمداران برای ورود به حوزه سیاسی باید به دولت عمیق این کشور (نهاد نظامی) متوسل می‌شدند. این معادله امروزه به گونه‌ای تغییر کرده که نظامیان ترکیه برای در امان ماندن از فشار نهادهای مدنی به احزاب دارای محبوبیت ملی نظیر حزب عدالت و توسعه متوسل می‌شوند. به نظر می‌رسد الگوی ترکیه در گذار به دموکراسی آن هم با روش‌های غیر خشونت‌بار و افزایش کارآمدی دولت مدرن و حاکمیت قانون و التزام به آن به یک سبک و مدل برای جوامع در حال ورود به دوره گذار تبدیل خواهد شد. بسیاری از ناظران سیاسی بر این باور هستند که حزب عدالت و توسعه در همین دوره جدید موفق به تدوین و تصویب قانون اساسی متناسب با جایگاه ترکیه در قرن ۲۱ خواهد شد، زیرا هیچ حزب و جریان سیاسی در ترکیه نمی‌تواند در مقابل اراده حداقل بیش از ۵۰ درصد از ملت این کشور بایستد. ابراز تمایل حزب راست‌گرای جمهوری خلق ترکیه برای همکاری با حزب عدالت و توسعه بویژه در موضوع تغییر قانون اساسی و نیز احزاب دارای انگیزه‌های بیشتر برای تحقق هدف مربوط به تغییر قانون اساسی به منظور افزایش حقوق مدنی اقلیتها بویژه کردهای این کشور، فرصت و شانس بیشتری پیش‌روی حزب عدالت و توسعه برای وداع با قانون اساسی پیشین و گذار به یک دولت مدرن می‌گشاید.

۳. دولت ترکیه در سایه زمامداری حزب عدالت و توسعه شاهد تغییرات جدی در حد چرخش عمده در سیاست منطقه‌ای این کشور بوده است. در واقع دولت ترکیه تا پیش از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه چشم به شمال دوخته بود تا مگر ارفاکی از اتحاد اروپا به این کشور شود و جامعه ترکیه از مزایای اقتصادی پیوستن به اتحاد اروپا بهره‌مند گردد. حزب عدالت و توسعه استراتژی خود را به‌ویژه از نیمه دوم دهه نود بدین سو بکلی تغییر داد و چشم خود را به سوی جنوب و حوزه پیرامونی و محیط استراتژیک

و تمدنی خود دوخت. ظرفیت‌سازی همراه با نقش‌آفرینی در منطقه خاورمیانه ترکیه را به یک کشور متعادل‌کننده در چالش‌های منطقه‌ای تبدیل کرد. امروزه نقش‌آفرینی ترکیه از شمال آفریقا در حوزه‌های لیبی، مصر و تونس تا شرق جهان عرب در حوزه‌های عراق، خلیج فارس و کشور سوریه امتداد می‌یابد. دولت ترکیه رسماً و شفافاً از سیاست‌های دوگانه غرب و به طور مشخص ایالات متحده آمریکا در قبال مسئله فلسطین، اتمی بودن رژیم صهیونیستی، پرونده اتمی ایران، و بحران‌های سیاسی بحرین و یمن انتقاد می‌کند. ملاحظه فرمائید که رجب طیب اردوگان در مراسم جشن پیروزی حزب عدالت و توسعه در انتخابات پارلمانی اخیر طی سخنانی گفت: مردم سارایوو، بیروت، دمشق، رام‌اله، نابلس، جنین، کرانه باختری، باریکه غزه و بیت‌المقدس در پیروزی ما شریک هستند. اردوگان به طور ضمنی قصد داشت دامنه نقش‌آفرینی و بلکه نفوذ ترکیه را بیان کند. در واقع دولت ترکیه زندگی و نقش‌آفرینی در محیط تمدنی و بالنده خود را بر نشستن بر سکوی انتظار پیوستن به قاره پیر اروپا ترجیح داده است. حجم تبادل بازرگانی ترکیه با کشورهای همسایه (ایران، عراق، سوریه و کشورهای عربی شمال آفریقا) گسترش چشمگیری یافته است. امروزه دولت ترکیه به یک شریک اقتصادی مطمئن و غیرمشروط برای بسیاری از کشورهای اسلامی و عربی تبدیل شده است. ترکیه به دلیل پیشینه آشنایی‌اش با محیط منطقه (در دوره امپراتوری عثمانی) فرصت بیشتری برای گسترش روابط و تأثیرگذاری بر روند اوضاع ملتهب حوزه‌های بحران پیش رو دارد، اما مهمترین عنصر در این زمینه، وجود فرصت و امکان ائتلاف مثلث ایران، ترکیه و مصر به مثابه سه نیروی عمده فرامنطقه‌ای از دروازه‌های جنوبی اروپا تا شمال آفریقا است. مصر، ایران و ترکیه از دیدگاه‌های مشترک فراوانی در دیدگاه‌ها و حوزه‌های منافع منطقه‌ای همراه با میراث مشترک برخوردارند. در این زمینه بحث‌ها و ضرورت‌های این موضوع اکنون در پایتخت‌های سه کشور از سوی کانون‌های طراح ساختارها و منظومه‌های قدرتمند منطقه‌ای صورت می‌گیرد. کافی است که این باور به یک برنامه عملی به منظور حفظ ثبات و موازنه منطقه‌ای از سوی سیاست‌گزاران سه کشور تبدیل شود. ترکیه از عمق استراتژیک خود در محیط طبیعی‌اش

به خوبی آگاه است، ایران و مصر نیز در جست‌وجوی چتر منطقه‌ای برای اتصال کانون‌های قدرت‌های منطقه‌ای به یکدیگر و بهره‌مندی از مزایای آن هستند.

۴. نکته آخر پرسشی است که در مقدمه این نوشتار بدان اشاره شد. بسیاری از ناظران منطقه‌ای به‌رغم استقبال از نقش‌آفرینی ترکیه در امور منطقه‌ای، نگران آن هستند که این سیاست ترکیه به لحاظ آنکه جنبه حزبی دارد، در قلمرو اندیشه و برنامه یک حزب سیاسی محدود بماند و در صورت ایجاد تغییر دموکراتیک در ترکیه و پیروزی احزاب رقیب به‌ویژه حزب راست‌گرای جمهوری خلق، استراتژی منطقه‌ای ترکیه دستخوش تغییر و دگرگونی شده و ارتباطات و پیوندهای کنونی این دولت با محیط منطقه تداوم نیابد. البته این نگرانی بجا و قابل درک است. طرفداران فرضیه وحشت و نگرانی از توسعه دامنه نفوذ و تأثیرگذاری ترکیه در منطقه بر این مبنا استوار است که نفوذ و تأثیرگذاری ترکیه کنونی در ساختارهای منطقه‌ای به شرطی اهمیت و کارآمدی دارد که یک دولت قدرتمند نظیر دولت حزب عدالت و توسعه، پشتیبان این رویکرد باشد، اما اگر این دولت به دست جناح راست‌گرای ترکیه طی یک چرخش قدرت بیفتد، نفوذ و تأثیرگذاری این قدرت منطقه‌ای به همان اندازه معکوس و در نتیجه مخرب و غیرمنسجم با توقعات و انتظارات ملل منطقه خواهد بود. شاید پاسخ به این مجموعه دغدغه‌ها به لحاظ غیرقابل پیش‌بینی بودن مدل دموکراسی، کمی دشوار باشد، اما نباید از یاد برد که مؤلفه‌های توسعه دامنه نفوذ و تأثیرگذاری قدرتها تابع متغیری به نام جبر منافع و مزایای آن است که به راحتی از سوی هیچ دولت جایگزین قابل چشم‌پوشی نیست. بویژه اگر این توسعه دامنه نفوذ و تأثیرگذاری در کشور مبدأ نهادینه شود. مثلاً نمی‌توان گفت که سیاست ایالات متحده آمریکا در منطقه خاورمیانه به دلیل روی کار آمدن جمهوریخواهان یا دموکرات‌ها دستخوش تغییر بنیادی می‌شود. اگر هم این تغییر صورت گیرد بسیار ناچیز است، دلیل آن هم غلبه جبر منافع و نهادینه شدن آن است. یا مثلاً در مورد ایران نمی‌توان گفت که تغییرات حاصله در دولت‌ها لزوماً تغییرات بنیادین را در استراتژی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در پی دارد. در مورد نمونه ترکیه، علاوه بر مؤلفه جبر منافع، جبر جغرافیا و میراث

مشترک را نیز باید به مؤلفه‌های استمرار استراتژی منطقه‌ای ترکیه و فقدان گزینه‌های جایگزین افزود. به همین دلیل می‌بینیم که حتی حزب رقیب عدالت و توسعه یعنی حزب جمهوری خلق در فهم فرمول‌های به کار رفته از سوی حزب عدالت و توسعه و کارآمدی آن، ظرفیت بیشتری از خود نشان داده و می‌دهد. اظهارنظر اخیر کمال قلیچ دار اوغلو رهبر حزب راستگرای جمهوری خلق در مورد امکان همراهی با حزب عدالت و توسعه در تغییر قانون اساسی ترکیه قابل تأمل است. یادمان باشد که این حزب از گاردی‌های وفادار به سنت‌های آتاتورک در خصومت با اعراب و نزدیکی به غرب به شمار می‌رود. تغییرات حاصله در منطقه و جهان بویژه موضوع مقاومت سرسختانه اتحاد اروپا در قبال پذیرش عضویت ترکیه، این جمهوری را به قول یکی از استادان ترکیه‌شناس عرب به یک جمهوری گمشده تبدیل کرده بود. در واقع جمهوری ترکیه ماقبل حزب عدالت و توسعه هم از محیط منطقه‌ای‌اش به دلیل آثار بجامانده از دوران امپراتوری عثمانی رانده شده بود و هم در محیط جدید مورد علاقه‌اش (اروپا) بیگانه خوانده می‌شد.

بدین ترتیب می‌توان گفت که رویکرد کنونی ترکیه رفته رفته به ساختارهای نظام سیاسی این کشور سرایت پیدا کرده و انصراف و عدول از آن را برای همه دولت‌ها و رویکردهای جایگزین دشوار خواهد کرد.